




Third Party Intervention in the Arbitration Process in the Regulations of International Arbitration Organizations and Iranian Legal System

Maryam Ghalibafan, Ph.D. Student in Private Law, Islamic Azad University, South Tehran Branch.
Email: st_m_ghalibafan@azad.ac.ir 

Ahmad Shams¹, Ph.D. in Private Law, Associate Professor and Faculty Member of Islamic Azad University, Central Tehran Branch  (Corresponding Author).

Ahad Bagherzadeh, Ph.D. in International Law, Assistant Professor, Islamic Azad University, South Tehran Branch 

Received: 22 Mar 2024

Revised: 16 May 2024

Accepted: 18 May 2024

Third-Party Entry / Third-Party Attraction / Third Party Objection / International Commercial Arbitration / Arbitration Agreement.

The intervention of third parties in the arbitration process is one of the most controversial issues in the field of international commercial arbitration. Because third-party participation beyond the its scientific importance carries important practical consequences for the parties in international arbitration proceedings. At first glance, the presence of third party with a contractual dispute resolution system by arbitration seems incompatible. However, with the increase of multilateral disputes in international commercial transactions and the expansion of the use of arbitration conditions, international arbitration organizations are increasingly facing the issue of third-party intervention in the arbitration process. This research intends to examine the issue of third-party intervention in arbitration with a different approach, primarily from the perspective of the regulations of international arbitration organizations, and then on the basis of Iranian laws, and then to discuss its limitations and obstacles. The findings of the present research show that although the extension of the arbitration agreement to the third-party, has been accepted in the field of international arbitrations based on several legal doctrines; But in the Iranian legal system, a single procedure cannot be considered as the rule on this issue due to the conflicting opinions in this regard. However, the existence of the element of satisfaction as the main indicator of arbitration, makes it necessary to provide justified and specific grounds for expanding the scope of arbitration to third parties. The most important of these basics are; Representation is the staple rule and the beneficiary that was discussed.

1. a_shams@azad.ac.ir

JEL Classification: K20, K33, F1


Data Availability: The data used or generated in this research are presented in the text of the article.

Conflicts of Interest: The authors of this paper declared no conflict of interest regarding the authorship or publication of this article.

فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۱۱۰، دوره ۲۸، بهار ۱۴۰۳، ۱۸۷-۱۵۵

مقاله پژوهشی: تسری شرط داوری به شخص ثالث در مقررات سازمان‌های بین‌المللی داوری و نظام حقوقی ایران

مریم قالیبافان*  احمد شمس** 

احمد باقرزاده*** 

پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۲۹

بازنگری: ۱۴۰۳/۲/۲۷

دریافت: ۱۴۰۳/۱/۳

ورود ثالث / جلب ثالث / اعتراض ثالث / داوری تجاری بین‌المللی / موافقتنامه داوری

چکیده

مداخله اشخاص ثالث در فرآیند داوری یکی از بحث برانگیزترین موضوعات در عرصه داوری داخلی و تجاری بین‌المللی است. به عبارتی مشارکت ثالث فراتر از اهمیت علمی این امر، پیامدهای عملی مهمی برای طرفین دارد. در نگاه اول، حضور چنین افرادی با سیستم قراردادی حل اختلاف به شیوه داوری، اساساً ناسازگار به نظر می‌رسد. با این حال، با افزایش اختلافات چند جانبه در معاملات تجاری بین‌المللی و گسترش استفاده از شروط داوری؛ سازمان‌های بین‌المللی داوری به‌طور فزاینده‌ای با موضوع مداخله اشخاص ثالث در فرآیند داوری روبرو هستند. این مقاله قصد دارد با رویکردی متفاوت؛ موضوع مداخله اشخاص ثالث در داوری را در درجه اول از منظر مقررات سازمان‌های بین‌المللی داوری و سپس بر مبنای قوانین موضوعه ایران مورد بررسی قرار دهد و به محدودیت‌ها و موانع آن بپردازد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تسری

*. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب st_m_ghalibafan@azad.ac.ir

** دکتری حقوق خصوصی، دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز a_shams@azad.ac.ir

*** دکتری حقوق بین‌الملل، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب aa_bagherzadeh@azad.ac.ir

موافقتنامه داوری به شخص ثالث هرچند در عرصه داوری‌های بین‌المللی با استناد به دکترین متعدد حقوقی مورد قبول قرار گرفته است لیکن در نظام حقوقی ایران با توجه به آرای متعارضی که در این زمینه صادر شده؛ نمی‌توان رویه واحدی را بر این موضوع حاکم دانست. با این حال وجود عنصر رضایت به عنوان شاخصه‌ی اصلی داوری، ارائه مبانی موجه و خاصی را برای گسترش قلمرو داوری به اشخاص ثالث، ضروری می‌سازد. اهم این مبانی عبارتند از؛ نمایندگی، قاعده استاپل و ذینفعی است که به آن پرداخته شد.

طبقه‌بندی K20, K33, F1:JEL

۱. مقدمه

امروزه پیچیدگی روابط تجاری و ساختارهای چند جانبه قراردادهای منجر به ظهور مسئله مشارکت اشخاص ثالث در داوری شده است. به عبارتی در بیشتر موارد علی‌رغم آنکه امضاکنندگان قراردادها و پروژه‌های داخلی یا بین‌المللی دو شخص حقیقی یا حقوقی هستند لیکن در جریان اجرای قراردادها علاوه بر طرفین قرارداد، اشخاص ثالث نیز به دلایل مختلف وارد می‌شوند.

مطالعه تطبیقی مقررات سازمان‌های بین‌المللی داوری و نیز قوانین موضوعه ایران نسبت به مداخله اشخاص ثالث در داوری از این جهت اهمیت می‌یابد که در شرایط بروز اختلافات ناشی از قراردادهای تجاری یا سرمایه‌گذاری؛ عدم شمول داوری نسبت به اشخاص ثالث در مواردی که باید با آنها همراه می‌شدند، می‌تواند منجر به طرح دعوی موازی و در نتیجه عدم کارایی فرآیند داوری شود و این امر مغایر با اصل اجرای عدالت است.

بر اساس داده‌های منتشر شده توسط مؤسسات داوری، حدود ۴۰ درصد از پرونده‌های داوری در سراسر جهان بیش از دو طرف را شامل می‌شود. با افزایش تعداد پرونده‌های داوری چند طرفه، مکانیسم داوری اختلافات چند طرفه نقش برجسته‌تری در چنین شرایطی ایفا می‌کند. به عنوان مثال، داوری یک فرآیند تجاری دوستانه است، اما ماهیت قراردادی داوری به راحتی نمی‌تواند اختلافات چند طرفه را حل کند^۱.

آنچه در رابطه با مشارکت شخص ثالث در جریان داوری با آن مواجه هستیم عبارت است از؛ ورود ارادی شخص ثالث به داوری که اصطلاحاً ورود ثالث نام دارد و دیگر ورود اجباری ثالث است که از آن به عنوان جلب ثالث یاد می‌شود^۲.

ورود شخص ثالث در مواقعی محقق می‌گردد که شخص ثالث راساً خواستار ورود به جریان داوری باشد و در مقابل اصطلاح جلب یا الحاق ثالث زمانی مطرح می‌گردد که یکی از طرفین داوری درخواست ورود وی به داوری را بنماید. به این ترتیب مداخله ثالث در جریان داوری می‌تواند از طریق ورود و جلب ثالث صورت پذیرد^۳.

با این حال الحاق شخص ثالث به جریان داوری بین‌المللی با مشکلاتی همراه است زیرا مرجع داوری باید از اراده طرفین که به عنوان اصل استقلال اراده شناخته می‌شود، تبعیت کند.

1. Voser, (2008)

2. Keechang & Mitchenson, (2013)

3. Greenberg et al, (2013)

در نتیجه، مقررات محدودی در باب پیوستن یا مداخله ثالث تدوین شده است. با این وجود، بر اساس برخی قوانین سازمانی، مانند قوانین ۲۰۲۱ مرکز داوری ICC، دیوان داوری این اختیار دارد که در مورد الحاق شخص ثالث تصمیم‌گیری کند. مضاف بر اینکه آنچه که در سازمان‌های داوری تحت عنوان مداخله ثالث مورد توجه قرار گرفته است ناظر به جلب ثالث می‌باشد. مقررات اغلب سازمان‌های داوری نسبت به موضوع ورود ثالث مسکوت است و در برخی از مقررات داوری نیز ورود ثالث تنها با رضایت تمامی طرفین داوری ممکن می‌گردد.^۱

در نظام حقوقی ایران نیز توجه چندانی به نقش‌های مختلف ثالث در داوری نشده است. از طرفی رویه قضایی ثابت و یکسانی وجود ندارد و دکترین حقوقی ما چندان روشن و شفاف نیست. در قوانین ایران اعم از قانون آیین دادرسی مدنی و مقررات داوری تجاری بین‌المللی باتوجه به آنکه قرارداد داوری مبتنی بر رضایت طرفین است؛ توسعه شرط داوری مستلزم رضایت صریح تمام طرفین داوری و نیز شخص ثالث است لذا رضایت ضمنی کفایت نمی‌کند.

از همین رو مداخله ثالث همواره با محدودیت‌هایی روبرو است که از مهمترین آن می‌توان به عدم صلاحیت دیوان داوری در رسیدگی به دعاوی اشخاص ثالث اشاره کرد. به عبارتی، نسبی بودن اثر موافقتنامه داوری به طرفین آن که اغلب مواقع همان امضاکنندگان موافقتنامه هستند، بزرگترین مانع بر سر راه ورود اشخاص ثالث به جریان داوری است. زیرا اصلی‌ترین مزیت شیوهی داوری آن است که با توافق طرفین قرارداد انتخاب شده است در نتیجه منطقی است که تنها طرفین داوری ملزم به آن باشند و سایر اشخاص از حیطه‌ی شمول آن خارج هستند.^۲ این موضوع موجب شده است تا در اکثر مقررات سازمان‌های داوری همچون نظام حقوقی ایران؛ ورود شخص ثالث به داوری منوط به رضایت طرفین شود.

از دیگر محدودیت‌های پیش رو؛ تاکید ویژه مقررات سازمان‌های بین‌المللی داوری بر امر محرمانگی است. از دیرباز تاکنون یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های داوری که منجر به جذابیت آن در مقایسه با رسیدگی‌های قضایی شده، اصل محرمانگی می‌باشد و مؤسسات داوری همواره تلاش نموده‌اند تا در قواعد داوری خود تعهد به محرمانه بودن را به‌عنوان یک اصل مورد اشاره قرار دهند. همین موضوع موجب آن گردیده است تا در کلیه داوری‌ها اعم از داوری‌های تجاری

1. Mistelis et al, (2003)

2. Mistelis et al, (2003)

بین‌المللی و نیز دعوای سرمایه‌گذاری بین‌المللی، امکان و اجازه ورود اشخاص ثالث به داوری به راحتی داده نشود.

با این وجود این احتمال وجود دارد که اختلاف ناشی از یک معامله تجاری بین‌المللی محدود به طرفین موافقتنامه داوری نگردد و اشخاص دیگری را نیز درگیر ساخته و منجر به طرح دعوای متعدد گردد. به این ترتیب ضرورت مداخله اشخاص ثالث در جریان داوری و وجود موانع و محدودیت‌های فوق؛ لزوم اصلاح مقررات داوری را بیش از پیش می‌سازد.

این پژوهش برآن است تا با مطالعه مقررات داوری اهم سازمان‌های مختلف بین‌المللی و نیز قوانین موضوعه ایران، رویکرد مراکز داوری و نیز مقررات داخلی را در رابطه با ورود و جلب ثالث را بررسی و محدودیت‌ها و موانع مداخله ثالث را شناسایی نماید و در نهایت در راستای رفع برخی خلاهای موجود در مقررات داوری چاره‌اندیشی کند.

پیش از آنکه به بررسی تطبیقی قواعد و مقررات مختلف داوری در این خصوص بپردازیم، ضروری است مفهوم شخص ثالث و نحوه مداخله وی در فرآیند داوری مورد بررسی قرار گیرد.

۲. مفهوم شخص ثالث

در کل عنوان شخص ثالث در مقررات حقوقی، به اشخاصی اطلاق می‌شود که اراده ایشان در انعقاد قرارداد نقشی نداشته است و از طرفی قائم مقام متعاملین نیز نیستند. مطابق اصل نسبی بودن قراردادها، قرارداد نمی‌تواند نسبت به کسانی که در انعقاد آن دخالتی نداشته‌اند اثری به نفع یا به زیان ایشان داشته باشد.^۱

مع الوصف آنچه تحت عنوان شخص ثالث در فرآیند رسیدگی قضایی مدنظر می‌باشد، هر شخصی غیر از خواهان و خواننده دعوی است. در گذشته صدق عنوان شخص ثالث بر اشخاص حقوقی محل تردید و بحث بود اما امروزه با توجه به اهمیت و وجود الزامات اقتصادی و اجتماعی در خصوص اشخاص حقوقی موجب گردیده است تا مفهوم شخص ثالث در برگزیده اشخاص حقیقی و حقوقی باشد.^۲

باتوجه به آنچه بیان گردید؛ مشارکت اشخاص ثالث در داوری مربوط به شرایطی است که

۱. شهیدی، (۱۳۸۴)

۲. امین، (۱۳۵۳)

یکی از طرفین بخواهد طرفی را که جزو قرارداد اصلی نبوده و موافقتنامه داوری را امضا نکرده یا با آن موافقت نکرده است، به داوری ارجاع دهد که در این صورت از آن اشخاص اغلب به عنوان شخص ثالث یا غیر امضاکننده یاد می‌شود.^۱

۳. نحوه مداخله ثالث در داوری

همانطور که پیش از این بیان گردید؛ طرفین داوری در اکثر موارد همان طرف‌ها و امضاءکنندگان موافقتنامه داوری هستند. با این حال ممکن است اشخاصی که توافق داوری را امضا نکرده‌اند نیز تحت شرایطی گاه به اجبار و گاه به درخواست ایشان در روند حل و فصل اختلاف طرفین داوری مداخله نمایند. آنچه تحت عنوان مداخله شخص ثالث در داوری‌های تجاری بین‌المللی با آن مواجه هستیم شامل ورود ارادی شخص ثالث به داوری و الزام ثالث در ورود به داوری (جلب ثالث)^۲ می‌باشد.^۳

به این ترتیب زمانی که در یک داوری در حال جریان، درخواست ورود به داوری از سوی شخص ثالث مطرح شود، دخالت ارادی یا ورود ثالث عنوان دارد. اما مواردی که شخص ثالث توسط یکی از طرفین ناگزیر وارد داوری شود، دخالت اجباری یا جلب ثالث مطرح می‌شود.^۴ از آنچه بیان گردید مشخص می‌گردد که در مورد اول، شخص ثالث غیر امضاکننده با اقدام داوطلبانه خود به یک شرط داوری ملحق می‌شود، در حالی که در مورد دوم، شخص ثالث عملاً به داوری وادار شده است.

تمایز بین این دو شیوهی الحاق ثالث به جریان رسیدگی، در مقررات داوری سازمان‌های بین‌المللی به اندازه کافی روشن نشده است. درحالی‌که اگر رضایت اشخاص به داوری مبنای اصلی پذیرش داوری باشد، در هر رژیم پیشنهادی برای الحاق اشخاص ثالث به قراردادهای داوری لازم است به این پرسش پاسخ داده شود که آیا این افراد به دنبال پیوستن داوطلبانه به داوری هستند یا این که فرآیند داوری بر آنها تحمیل شده است.^۵

1. Brekoulakis, (2016)

2. Compelling Non Signatories to Arbitration

3. Keechang & Mitchenson, (2013)

5. GARNETT, (2023)

۴. بررسی تطبیقی مقررات سازمان‌های بین‌المللی داوری

پژوهش حاضر در گام نخست به بررسی مقررات حاکم بر مداخله شخص ثالث در اهم سازمان‌های بین‌المللی داوری شامل مرکز داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC)، دیوان دائمی داوری (PCA)، مرکز داوری وایپو (WIPO)، مرکز داوری ایکسید (ICSID) و در نهایت دیوان داوری ورزش (CAS) پرداخته تا با روشن شدن مواضع سازمان‌های داوری؛ محدودیت‌های الحاق ثالث به داوری را بررسی و برای آن چاره‌اندیشی نماید.

۴-۱. مرکز داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC)^۱

تا پیش از اصلاحات سال ۲۰۱۲، مقررات داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی در خصوص امکان مداخله شخص ثالث در فرآیند داوری مسکوت بود. از همین رو در صورت درخواست ورود شخص ثالث به داوری، دبیرخانه‌ی مرکز با استناد به محرمانه بودن داوری، درخواست شخص را رد می‌نمود. به‌عنوان مثال در سال ۲۰۰۹ در پی درخواست شخص ثالثی برای ورود به داوری در حال جریان در مرکز؛ درخواست وی پذیرفته نشد هر چند شخص ثالث یکی از قراردادهای موضوع اختلاف را امضاء کرده بود و یکی از طرفین نیز ورود وی به داوری را پذیرفته بود.^۲

با انجام اصلاحات در قواعد داوری ICC، مواد ۷ الی ۱۰ در زمینه‌ی الحاق طرف‌های اضافی به داوری بعد از نصب و تأیید داور وضع گردید. بند ۱ ماده ۷ به موضوع جلب ثالث اشاره نموده و در این خصوص مقرر می‌دارد:

«اگر یکی از طرف‌ها خواهان جلب طرف اضافی به داوری است، باید درخواست داوری علیه طرف اضافی (درخواست جلب) را به دبیرخانه تسلیم نماید. تاریخ وصول درخواست جلب به دبیرخانه از جمیع جهات، تاریخ شروع داوری علیه طرف اضافی محسوب خواهد شد.»

بند ۵ ماده ۷ نیز اشاره به الحاق طرف اضافی به داوری بعد از تأیید و نصب داور دارد و باتوجه به تشکیل مرجع داوری تصمیم‌گیری در مورد آن را بر عهده همان مرجع قرار داده است. نکته حائز توجه آن است که در مقررات فوق پذیرش درخواست منوط به آن شده است که طرف اضافی با تشکیل مرجع موافقت نماید و قرارنامه داوری را بپذیرد. مرجع داوری نیز برای

1. International Chamber of Commerce Arbitration Court.

2. Webster & Buhler, (2014)

تصمیم‌گیری در این خصوص اوضاع و احوال حاکم بر پرونده از جمله تعارض منافع احتمالی یا تأثیر الحاق طرف اضافی به داوری را در نظر خواهد گرفت.

ماده ۱۰ نیز به بحث ادغام داوری‌ها اشاره دارد که در آن ادعاهایی تحت عنوان قراردادهای چندگانه مطرح شده است. به عبارتی ادغام دعاوی در بسیاری از موارد موجبات ورود اشخاص ثالث به داوری را فراهم می‌نماید.

با این حال علی‌رغم اصلاحات صورت گرفته و پیش‌بینی جلب ثالث در قواعد داوری، همچنان بحث ورود ثالث به داوری مسکوت مانده و درخواست ثالث برای ورود به داوری در جریان یا در شرف وقوع، در مقررات داوری ICC مورد توجه قرار نگرفته است. اگرچه به نظر می‌رسد اگر طرفین نسبت به ورود ثالث رضایت داشته باشند، ورود ثالث با ممانعت مرکز مواجه نباشد.

۴-۲. مرکز داوری وایپو (WIPO)^۱

در مقررات مرکز داوری وایپو نیز امکان الحاق شخص ثالث به داوری مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. چرا که در ۴۳ درصد از داوری‌های عادی و نیز داوری‌های فوری مرکز، بیش از دو طرف درگیر داوری بوده‌اند. از همین رو مقررات مربوط به الحاق اشخاص ثالث به داوری از اهمیت زیادی برخوردار است.^۲

ماده ۴۶ مقررات داوری عادی و ماده ۴۰ قواعد داوری فوری، به الحاق شخص ثالث به داوری اشاره دارد. مطابق این مقررات، در صورتی که یکی از طرفین خواستار الحاق شخص ثالث به داوری باشد، دیوان داوری در صورت موافقت تمام طرفین داوری و نیز شخص ثالث، دستور الحاق را با در نظر گرفتن شرایط و مرحله رسیدگی صادر می‌کند.

نکته قابل توجه آن است که درخواست الحاق ثالث باید همزمان با درخواست داوری از سوی خواهان یا در پاسخ به درخواست داوری توسط خواننده ارائه گردد مگر آنکه متقاضی در زمان مقرر از شرایط الحاق آگاهی نباشد. در این صورت درخواست الحاق باید ظرف ۱۵ روز بعد از آگاهی از چنین شرایطی درخواست خود را ارائه شود.

با این وجود حتی اگر درخواست ظرف ۱۵ روز ارائه گردد، داور تکلیفی در پذیرش درخواست

1. World Intellectual Property Organization Arbitration Center.

2. Landolt and García, (2017)

ندارد بلکه می‌تواند با توجه به شرایط و مرحله رسیدگی، آن را بپذیرد یا رد نماید. به عنوان مثال با استناد به اتمام رسیدگی‌ها و جمع‌بندی دفاعیات، اگر داور الحاق شخص ثالث به داوری را مخل روند داوری و سرعت رسیدگی بداند می‌تواند درخواست را رد نماید.^۱

قابل توجه آنکه در مقررات داوری وایپو همچون مرکز داوری ICC بحث ورود ثالث مسکوت مانده و صرفاً به بحث جلب شخص ثالث اشاره شده است. با این حال برخلاف نظام داوری ICC که موافقت تمام طرفین برای الحاق ثالث لازم نبود، در مقررات داوری وایپو الحاق وی مستلزم موافقت تمام طرفین درگیر در داوری است. بنابراین به نظر می‌رسد چه درخواست الحاق شخص ثالث از سوی یکی از طرفی داوری مطرح شود، چه شخص ثالث رأساً خواستار ورود به داوری باشد، موافقت طرفین و طرفی که باید به داوری بپیوندد، ضروری است. از همین تفکیک جلب ثالث از ورود آن در عمل اهمیتی ندارد و با حصول موافقت کلیه احزاب و پذیرش آن توسط دیوان امکان ورود ثالث نیز همانند جلب آن وجود دارد.

۳-۴. دیوان دائمی داوری (PCA)^۲

مطابق بند ۵ ماده ۱۷ قواعد اختیاری دیوان دائمی داوری، ورود شخص ثالث به داوری با موافقت کلیه طرف‌ها امکان‌پذیر است. بدین ترتیب دیوان داوری می‌تواند در مواردی که نیاز است شخص ثالث طرف داوری باشد، بنا به درخواست هر یک از طرفین با الحاق یا ورود آن موافقت نماید. در این صورت دیوان می‌تواند یک رأی واحد یا چندین رأی در خصوص تمام طرفین صادر نماید.^۳ در داوری‌های بین‌دولت‌ها که موضوع آن اختلاف در خصوص تفسیر یک معاهده چندجانبه است، گاه خود معاهده مقرر می‌نماید که اختلاف باید به اطلاع سایر اطراف معاهده برسد و در برخی موارد نیز امکان ورود ثالث در فرآیند داوری به رسمیت شناخته شده است. با این حال علی‌رغم آنکه در ماده ۵۶ کنوانسیون ۱۸۹۹ و ماده ۸۴ کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه امکان ورود ثالث پیش‌بینی شده است لیکن در خصوص شیوه‌ی ورود آن مقررات خاصی وضع نگردیده است و همین امر سبب ابهاماتی در نحوه اعمال آن می‌شود.^۴

1. Landolt and García, (2017)

2. Permanent Court of Arbitration

3. Cover Donk, (2015)

4. Holtzmann, (2003)

۴-۴. مرکز داوری حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری (ICSID)^۱

در مرکز داوری ایکسید سابق بر اصلاحات قواعد داوری ۲۰۰۶، امکان مداخله‌ی شخص ثالث در روند داوری پیش‌بینی شده بود. منتهی اجازه و موافقت طرفین داوری برای حضور شخص ثالث شرط ابتدائی بود که بدون وجود آن دیوان قادر نبود نسبت به درخواست مداخله‌ی اشخاص ثالث رسیدگی نماید.^۲

با اصلاحات انجام گرفته در سال ۲۰۰۶ ماده ۳۷ مقررات داوری ایکسید، اجازه حضور شخص ثالث در جریان رسیدگی مستلزم رضایت طرفین داوری نیست بلکه دیوان داوری در ابتدا با دبیرکل مشورت می‌نماید و سپس در صورت عدم اعتراض هیچ یک از طرفین، اجازه‌ی حضور یا نظارت تمام یا بخشی از جلسات رسیدگی را به شخص ثالث می‌دهد.

به این ترتیب دیوان داوری در صورت عدم مخالفت طرفین داوری، صلاحیت تصمیم‌گیری درخصوص ورود یا جلب ثالث را داراست. این موضوع بیانگر آن است که رسیدگی‌های مرکز داوری ایکسید پس از اصلاحات سال ۲۰۰۶ از حالت خصوصی خارج شده است به نحوی که برخی از معاهدات سرمایه‌گذاری دو جانبه امکان برگزاری جلسات استماع عمومی را پیش‌بینی نموده‌اند.^۳

از دیگر اصلاحات صورت گرفته در بند ۲ ماده ۳۷ مقررات داوری ایکسید، بیان شرایط ورود ثالث به داوری است. این ماده مقرر می‌دارد:

«بعد از مشورت با طرفین اختلاف، دیوان داوری می‌تواند به شخص حقیقی یا حقوقی که طرف اختلاف نیست اجازه دهد لایحه کتبی خود را در خصوص موضوعی که در حوزه اختلاف است به دیوان تقدیم دارد.

دیوان داوری در بررسی امکان یا عدم امکان تقدیم لایحه توسط ثالث باید به موارد ذیل توجه نماید:

الف) لایحه شخص ثالث باید با ارائه دیدگاه‌های خاص یا وجه متفاوت از آنچه توسط طرفین اختلاف اقامه شده است، دیوان داوری را در فهم موضوع یاری نماید».

1. International Centre for Settlement of Investment

۲. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به:

https://icsid.worldbank.org/ICSID/staticfiles/loaicoc_en-archive/ICSID_English.pdf

۳. ابریشمی مقدم و ضمامی، (۱۳۹۶)

مطابق مقرره‌ی فوق، اشخاص ثالثی که خواستار ورود به داوری هستند، لازم است موضوع جدید و خاصی را در داوری مطرح نمایند. به عبارتی مواردی را در حوزه اختلاف مطرح سازند که توسط طرفین مطرح نگردیده باشد. البته بند ب این ماده ضابطه‌ی دیگری را اضافه نموده است که به موجب آن خواسته‌ی شخص ثالث باید در حوزه اختلاف طرفین داوری باشد و در نهایت پذیرش ورود شخص ثالث به داوری مستلزم داشتن نفع عمده‌ی وی از داوری در حال رسیدگی است.

در کنار شرایطی که ماده ۳۷ برای پذیرش درخواست ورود ثالث به جریان داوری مطرح نموده است؛ تضمین داوری عادلانه و جلوگیری از اخلال در روند داوری را نیز از تکالیف دیوان دانسته است.

نکته حائز اهمیت در مقررات داوری ایکسید، توجه به مفهوم شخص ثالث است. منظور از شخص ثالث در قواعد داوری این سازمان اشخاص حقیقی و حقوقی هستند که نه تنها طرف اختلاف نیستند بلکه طرف معاهده‌ای که در آن حل و فصل اختلاف به طریق داوری ضمن آن پیش‌بینی شده است نیز نمی‌باشند. با این حال دارای منافع مهمی در دعوا هستند و می‌توانند دیوان داوری را در رسیدن به نتیجه نهایی یاری سازند.^۱

۴-۵. دیوان داوری ورزش (CAS)^۲

دیوان داوری ورزش نیز در ماده 41R به تفصیل به شرایط الحاق و ورود شخص ثالث پرداخته است و ضمن تفکیک مواد الحاق از ورود ثالث، شرایط پذیرش هر یک را مطرح ساخته است. بند ۲ ماده 41R در خصوص جلب شخص ثالث از سوی خواننده است. این ماده مقرر می‌دارد اگر خواننده خواستار وارد نمودن شخص ثالثی به داوری باشد، باید درخواست خود را ضمن پاسخ به داوری مطرح سازد.

دیوان CAS نسخه‌ای از این درخواست را به شخص ثالث ابلاغ می‌کند و زمانی را مشخص می‌کند تا موضع خود را در خصوص شرکت در داوری اعلام نماید. همین امر در خصوص مدعی نیز صورت می‌پذیرد تا او نیز موضع خود را ظرف موعده مقرر مطرح سازد.

1. Obadia, (2007)

2. Sports Arbitration Court.

بند ۳ ماده 41R به بحث ورود شخص ثالث اختصاص دارد. بدین توضیح که اگر شخص ثالث در پرونده‌ای که در دیوان مطرح شده است، خود را ذی نفع بداند، می‌تواند ظرف مدت ۱۰ روز از زمان اطلاع، درخواست خود را همراه دلایل به دیوان تقدیم نماید. درخواست ثالث در صورتی از سوی دیوان پذیرفته می‌شود که پیش از استماع یا اتمام رسیدگی به مدارک، ثبت شده باشد. با وصول درخواست، رونوشت آن برای طرفین ارسال می‌شود تا موضع خود را در خصوص شرکت نمودن شخص ثالث بیان نمایند. در نهایت هیأت داوران با توجه به جمیع جهات در خصوص قبول درخواست ورود ثالث تصمیم‌گیری خواهند کرد و در صورت پذیرش، زمان تشکیل جلسه بعدی به ثالث ابلاغ می‌شود.

از بررسی قواعد داوری سازمان‌های فوق روشن می‌گردد، امکان جلب ثالث در تمام نظام‌های داوری پیش‌بینی شده است.

با این حال ورود ثالث در برخی از نظام‌های داوری از جمله ICC مسکوت مانده است. به نظر می‌رسد علی‌رغم رویکردهای مختلف در خصوص مداخله‌ی ثالث در داوری، اقتضائات عملی زمینه را برای ورود یا جلب ثالث فراهم ساخته است. چرا که نبود چنین امکانی در داوری‌های بین‌المللی منجر به تصمیماتی متناقض و از هم گسیخته می‌شود.

با این وجود تدابیر اتخاذ شده در باب مداخله ثالث با نارسایی‌ها و مشکلاتی در سازمان‌های داوری روبرو است و در صورتیکه برای آن چاره‌اندیشی نشود موجب بی‌اثر شدن این اقدامات می‌گردد. در ادامه به اهم این نارسایی‌ها پرداخته می‌شود.

۵. محدودیت‌های مداخله ثالث در سازمان‌های بین‌المللی داوری

محدودیت‌های عملی مربوط به مشارکت شخص ثالث در داوری‌ها به اشکال مختلفی نمودار می‌شود. مهم‌ترین مشکلات پیشرو عبارتند از؛ وجود رضایت طرفین داوری نسبت به مداخله شخص ثالث و دیگر، اجرای اصل محرمانگی در داوری است که در ادامه به تبیین هریک پرداخته می‌شود.

۵-۱. رضایت

رضایت طرفین نسبت به داوری، به عنوان سنگ بنای داوری تجاری بین‌المللی تلقی می‌شود که

تأثیر گسترده‌ای در رسیدگی‌های داوری از جمله در صلاحیت دیوان داوری و معرفی داوران دارد. بنابراین رضایت طرفین برای الحاق اشخاص ثالث به فرآیند داوری یک موضوع حیاتی است. از همین رو جلوگیری از مشارکت شخص ثالث در فرآیند داوری بر یک اصل استاندارد استوار است که الحاق شخص ثالث را با محدودیت مواجه می‌سازد و آن رضایت طرفین داوری است. به عبارتی؛ ماهیت توافقی داوری به‌عنوان مانع اصلی برای پیوستن اشخاص ثالث به داوری است چراکه نسبی بودن اثر موافقتنامه داوری ممکن است موجب آن گردد که توافقنامه داوری بین دو طرف اولیه نقض شود^۱.

در نتیجه در مقررات سازمان‌های داوری رضایت طرفین لازمه مشارکت ثالث عنوان شده هرچند ترتیبات خاص آن در هریک از این سازمان‌ها متفاوت است.

چنانکه پیش‌تر بیان گردید؛ مقررات برخی از سازمان‌های داوری مانند مرکز داوری واپو یا دیوان دائمی داوری بسیار سختگیرانه و محافظه‌کارانه است چراکه الحاق شخص ثالث به داوری منوط به رضایت «صریح» طرفین و نیز طرف اضافی در پیوستن به فرآیند داوری شده است. این رویکرد با هدف حمایت از اصل رضایت طرفین و احترام به استقلال ایشان اتخاذ شده است.

همین رویکرد به شکلی متفاوت در برخی دیگر از نهادهای داوری اعمال شده است. در این سازمان‌ها رضایت همه طرف‌ها، از جمله شخص ثالث، مورد نیاز است اما بر رضایت «صریح» ایشان برای پیوستن به داوری تأکید نمی‌کند بلکه صرف عدم مخالف طرفین را کافی می‌داند. به‌عنوان مثال؛ در مرکز داوری ایکسید همانطور که بیان گردید در صورت عدم مخالفت طرفین، مرجع داوری صلاحیت تصمیم‌گیری درخصوص ورود یا جلب ثالث را داراست.

با این حال، در مقررات داوری برخی دیگر از سازمان‌ها مشارکت شخص ثالث در داوری نیازمند رضایت همه طرفین نیست. در نسخه اخیر قواعد داوری ICC، پس از درخواست یک طرف جهت الحاق شخص ثالث به داوری، در صورتی که طرف جدید قرارنامه داوری را بپذیرد و با شرایط مرجع موافقت کند، مرجع رسیدگی می‌تواند با آن موافقت نماید. به عبارت دیگر، شخص ثالث را می‌توان به داوری ملحق کرد حتی اگر یکی از طرفین موافق نباشد. در نتیجه این مقرر آستانه رضایت طرفین برای پیوستن ثالث به داوری را کاهش می‌دهد^۲.

1. (Blackaby et al,2019)

2. (O'Sullivan and Benham-Mirando, 2021)

از آنچه بیان گردید روشن می‌گردد؛ در اکثر قواعد داوری علی‌رغم تفاوت در الزامات خاص خود؛ رضایت طرفین در مشارکت اشخاص ثالث لازم شناخته شده و این موضوع نقش مهمی در پیوستن شخص ثالث به داوری دارد.

صرف نظر از لزوم رضایت طرفین بر مداخله شخص ثالث، در مواردی که یکی از طرفین داوری خواستار جلب شخص ثالث به داوری می‌شود، لزوم اخذ رضایت ثالث موجب محدودیت هر چه بیشتر این فرآیند می‌گردد. زیرا داوری، دعوی قضایی نیست و محدودیت‌های ذاتی در پذیرش غیر امضاکنندگان موافقتنامه داوری دارد. به عبارتی برخلاف سیستم قضایی که دادگاه‌ها می‌توانند با درخواست یکی از طرفین دعوا شخص ثالث را ملزم نماید تا در دعوا مشارکت نماید؛ داوری از چنین اختیار گسترده‌ای برای اجبار شخص ثالث جهت الحاق به داوری برخوردار نیست. از طرفی ملزم نمودن شخص ثالث برای الحاق به داوری می‌تواند با الزامات موجود در کنوانسیون نیویورک نیز مورد انتقاد قرار گیرد. بدین توضیح که شروع فرآیند داوری مطابق کنوانسیون نیویورک مبتنی بر وجود موافقتنامه داوری است که توسط طرفین امضا شده باشد و یا از طریق نامه یا ایمیل رضایت و توافق ایشان احراز شود. در نتیجه اجبار شخصی که رضایت او قابل احراز از طرق فوق نیست می‌تواند به عنوان به عنوان یک دفاعیه در داوری مطرح گردد و داوری را دچار چالش سازد.

۵-۲. محرمانگی

تاکید ویژه بر اصل محرمانگی و خصوصی بودن دعاوی در داوری‌های تجاری بین‌المللی از دیگر موانع بزرگ بر سر راه ورود اشخاص ثالث در فرآیند داوری است. منظور از محرمانه بودن داوری، تضمین عدم افشای اطلاعات مربوط به جریان رسیدگی داوری است. محرمانه بودن شامل جلسات رسیدگی، نظرات داوران، حکم صادره از سوی دیوان و نیز اسناد و اطلاعات طرفین که در جریان داوری از سوی ایشان ارائه داده می‌شود، است.^۱

خصوصی بودن فرآیند داوری نیز بدین معنی است که جز طرفین اصلی داوری نباید شخص ثالثی در جریان داوری حضور یابد.^۲

۱. (اسدی نژاد، مهدوی فر، ۱۳۹۱: ۱۳۲)

2. (Noussia, 2010: 24-26)

در همین راستا، مؤسسات داوری همواره تلاش نمودند تا در قواعد داوری خود تعهد به محرمانه بودن را به‌عنوان یک اصل مورد اشاره قرار دهند و مقرراتی را در جهت تضمین این امر وضع نمایند. در حالیکه این موضوع با رویکرد مداخله اشخاص ثالث در داوری تفاوت زیادی دارد. مضاف برآنکه در بسیاری از موارد نیز دیوان‌های داوری علی‌رغم پذیرش ثبت لایحه از سوی شخص ثالث یا پذیرش درخواست طرفین دعوا جهت مشارکت شخص ثالث؛ به اشخاص ثالث اجازه حضور در جلسات استماع و دسترسی به لوایح و مدارک طرفین را نمی‌دهند.

به‌عنوان مثال؛ مقررات داوری اتاق بازرگانی بر محرمانه بودن داوری اشاره دارد. بند ۳ ماده ۲۲ در این خصوص مقرر نموده: «به درخواست هر یک از طرف‌ها، مرجع داوری می‌تواند دستوراتی در باره محرمانه بودن جریان داوری و محرمانه بودن دیگر مسائل مرتبط با داوری را صادر کند و می‌تواند اقداماتی در جهت حفاظت از اسرار تجاری و اطلاعات محرمانه صورت دهد». همین امر موجب گردیده تا در بسیاری از موارد اجازه حضور شخص ثالث در رسیدگی داده نشود. در مرکز داوری ایکسید نیز در سال ۲۰۱۸ در پرونده تالین علیه استونی، دیوان داوری به کمیسیون اروپایی به‌عنوان شخص ثالث اجازه داد تا با استفاده از مجوز بند ۲ ماده ۳۷ قواعد داوری ایکسید اقدام به ثبت لایحه‌ی خود نماید. با این حال کمیسیون اروپایی با این استدلال که علاوه بر توانایی کمک به دیوان در شناخت قوانین اتحادیه اروپا، قانونا وظیفه دارد اقدامات لازم را برای حفظ انسجام حقوق اروپایی انجام دهد؛ خواستار شرکت در جلسات استماع بود. اما دیوان داوری با اشاره به بند ۲ ماده ۳۲ قواعد دیوان، اجازه حضور در جلسات استماع و دسترسی به مدارک پرونده را صادر نکرد.^۱

به این ترتیب در قواعد داوری ایکسید اشخاصی غیر از اصحاب دعوا و وکلای آنها امکان دسترسی به مدارک و لوایح پرونده را ندارند. هرچند مقررات ایکسید در سال ۲۰۰۶ در باب ورود ثالث به داوری اصلاح شد اما همچنان درخصوص دسترسی ثالث به مدارک پرونده و حضور در جلسات داوری تغییر موثری صورت نگرفته است.^۲

1. United Utilities (Tallinn) B.V. and Aktsiaselts Tallinna Vesi v. Republic of Estonia, ICSID Case No. ARB/14/24, Decision on the Application for Leave to Intervene a. Non-Disputing Party Submitted by the European Commission date. October 2018, available at: https://www.italaw.com/sites/default/files/case-documents/italaw9936_0.pdf. (last visited on 19 May 2019)

2. ICSID Arbitration Rule 32(2) and ICSID Additional Facility Rule 39(2) regarding access to hearings. See Art. 48(5) of the ICSID Convention, ICSID Arbitration Rule 48(4).

حتی در قواعد داوری آنسیترال نیز انتشار آرا و دسترسی به جلسات استماع منوط به اجازه طرفین داوری شده است و حتی در کارگروهی که در سال ۲۰۰۸ تشکیل شده بود؛ پیشنهاد اصلاح این امر و ایجاد شفافیت در داوری‌های تحت قواعد آنسیترال، به آینده موکول گردید.^۱ بدیهی است صرف پذیرش مداخله شخص ثالث در فرآیند داوری بدون امکان دسترسی به لوایح و مدارک طرفین و یا حضور در جلسات استماع نمی‌تواند از کارایی لازم برخوردار باشد. چراکه ثبت درخواست و لایحه ثالث بدون دسترسی به اطلاعات پرونده و صرفاً بر پایه حدسیات و کلیات دعوا همچون پرتاب تیر در تاریکی است.

۶. گریز از محدودیت‌ها

سال‌های متمادی دست‌اندرکاران داوری برای الحاق اشخاص ثالث با مشکلات متعددی دست و پنجه نرم کرده‌اند. در همین راستا، جهت رفع موانع و محدودیت‌های موجود؛ تئوری‌های متعددی توسط دکترین حقوقی ارائه شده است که در سال‌های اخیر دریچه‌ی جدیدی را بر ورود و جلب ثالث در داوری‌های بین‌المللی گشوده است.

هرچند براساس مقررات سازمان‌های بین‌المللی داوری و معاهدات بین‌المللی رضایت طرفین پیش نیاز داوری است اما با بهره‌گیری از این تئوری‌ها می‌توان در عین رعایت مواضع خاص داوری، زمینه را برای الحاق ثالث هموارتر ساخت. راهکارها پیشنهادی و تجارب عملی ذیل در عمل نشان داده است که می‌توان در برخی موارد شخص ثالث را نسبت به یک داوری ملزم ساخت. برخی از این موارد عبارت‌اند از: نمایندگی، ذینفعی ثالث، ادغام دعاوی، ..

۶-۱. نمایندگی

براساس نظریه نمایندگی، شخص اصیل به جهت فعالیت نماینده‌ی خود ملزم به داوری می‌شود مشروط برآنکه نماینده در محدوده اختیارات واگذار شده عمل نموده باشد. این نظریه که تحت عنوان «اصیل واقعی»^۲ نیز مطرح شده، موید آن است که کسی که دیگری را برای انجام

1. Report of the United Nations Commission on International Trade Law, Forty-First Session (Jun. 16-Jul. 3, 2008), para. 314; Report of Working Group II (Arbitration and Conciliation) on the Work of Its Forty-Ninth Session (Vienna, Sep. 15-19, 2008), A/CN.9/665, Sep. 30, 2008, para. 8.

2. Alter Ago

عملی تدارک دیده در واقع انجام دهنده عمل است. بنابراین می‌توان اصیل را به واسطه‌ی عمل نماینده‌ی خود ملزم به داوری نمود هرچند موافقتنامه داوری را امضا ننموده باشد زیرا دیدگاه غالب این است که وقتی نماینده‌ای از طرف اصیل خود قراردادی منعقد می‌کند، متعهد به کلیه تعهدات پیش‌بینی شده در قرارداد از جمله شرط داوری است.^۱

این راه‌کار به ویژه در روابط شرکت‌های مادر و شرکت فرعی و با هدف جلوگیری از سو نیت و سوء استفاده شرکت‌های اصلی از حقوق اشخاص حقیقی یا حقوقی مورد استناد قرار می‌گیرد تا شرکت مادر از شرکت فرعی به عنوان سپری در برابر مسئولیت خود استفاده نکنند.^۲

به این توضیح که در برخی موارد کنترل شرکت فرعی به دست شرکت مادر است، در نتیجه شرکت مادر به عنوان اصیل از یکسو مستحق هرگونه سودی است که از ناحیه شرکت فرعی حاصل شده و از سوی دیگر مسئول اقداماتی است که توسط شرکت فرعی به عنوان نماینده انجام گرفته است.^۳ بنابراین درج شرط داوری می‌تواند برای شرکت مادر الزام آور تلقی شود هرچند قرارداد را امضا ننموده باشد.

۶-۲. قاعده استاپل

در حال حاضر قاعده استاپل نقش موثری در تحقق عدالت و انصاف در دادرسی‌ها دارد. این قاعده دربرگیرنده اصل ضرورت حسن نیت است و به مفهوم منع تناقض در گفتار و عمل به زیان دیگری می‌باشد.

دکترین حقوقی با تکیه بر این قاعده معتقدند؛ در صورتی که شخصی از قراردادی که حاوی شرط داوری است «نفع مستقیم» به دست آورده باشد، از انکار تعهد به داوری منع خواهد شد. به عبارت دیگر، اگر شخصی بخواهد طرف دیگری را در شرایط توافق نگه دارد و همزمان سعی کند از شرط داوری در توافقنامه اجتناب کند، از ادعای خلاف آن منع می‌شود. از این رو، بر اساس اصول حسن نیت و عدالت، نمی‌توان به این شخص اجازه داد تا از داوری عدول نماید، هرچند توافقنامه داوری را امضا ننموده باشد.^۴

1. GARNET, (2023)

2. Mistelis et al, (2003)

4. Kazbekova, (2013)

به این ترتیب این نظریه در جایی کاربرد دارد که یک طرف با رفتار و عمل خودش موجب می‌شود تا توافقنامه داوری نسبت به او قابل استناد شود. این دکترین به‌طور گسترده توسط دادگاه‌های فدرال ایالات متحده در اجبار یک غیر امضاکننده به داوری به رسمیت شناخته شده است. نخست در مواردی که شخص ثالث آگاهانه از منافع توافقنامه حاوی شرط داوری بهره‌برداری می‌کند یا مستقیماً منفعی دریافت می‌کند. در چنین شرایطی مرجع داوری با تکیه بر استاپل به طرف داوری اجازه می‌دهند الحاق ثالث به داوری را خواستار شود. مورد دیگر جایی است که بر مبنای رابطه نزدیک طرف داوری با شخص ثالث و ارتباط تنگاتنگ دعوای شخص ثالث با داوری، الحاق ثالث به داوری بر وی تحمیل می‌شود. به عبارتی در هر دو مورد مرجع داوری مطابق قاعده استاپل رضایت ضمنی ثالث به داوری را احراز و زمینه را برای الحاق وی به داوری فراهم می‌نماید.^۱

۳-۶. ادغام دعاوی

تجمیع یا ادغام دعاوی مرتبط راه‌کار دیگری است که می‌تواند منجر به الحاق شخص ثالث به یک داوری شود. مراد از ادغام دعاوی آن است که در مواردی که چند دعوا که از جهات موضوعی یا حکمی مشابه یکدیگر هستند و اغلب از قراردادهای و مسائل مرتبط ناشی می‌شوند، با تجمیع پرونده‌ها همه آنها تحت داوری واحد مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. این راه‌کار در بسیاری از موارد می‌تواند منجر به الحاق شخص ثالث به روند یک داوری در حال جریان شود. بدین توضیح که؛ هرگاه شخص ثالثی قراردادی را که به‌طور خاص شرط داوری در آن درج نشده امضا نماید لیکن اگر این قرارداد متضمن شرطی باشد که به قرارداد دیگری الحاق شده باشد یا به لحاظ موضوعی در ارتباط مستقیم با قراردادی باشد که پیش از این متضمن شرط داوری بوده در نتیجه شخص ثالث متعهد به شرط داوری شناخته می‌شود. بنابراین حتی اگر ترتیبات بین طرفین قرارداد متفاوت باشد، دادگاه‌ها شرط داوری را که از یک سند به سند دیگر الحاق شده است را به رسمیت شناخته و دعاوی ناشی از این قراردادهای را به داوری ارجاع می‌دهند. به عنوان مثال؛ در قراردادهای پیمانکاری متعدد که به موجب آن پیمانکار فرعی به موجب قرارداد خود عهده دار انجام تعهدات پیمانکار اصلی در قراردادی دیگری شده است؛ پیمانکار فرعی ملزم

به شرایط قرارداد اصلی از جمله شرط ارجاع اختلافات به داوری می‌شود. هدف از این روش صرفه جویی در زمان و هزینه داوری، کارآمدی هرچه بیشتر نظام داوری و در نهایت جلوگیری از صدور آرا متعارض است.^۲

۴-۶. شفافیت در کنار محرمانگی

هرچند از دیرباز محرمانگی از مزایای مهم داوری است لیکن در سال‌های اخیر آثار سوء محرمانگی مطلق موجب گردیده تا یکپارچگی نظام حل و فصل اختلافات بین‌المللی دچار خدشه گردد. در نتیجه امروزه حتی اگر در داوری‌های تجاری بین‌المللی و مالکیت فکری اصل محرمانگی کماکان مورد استقبال باشد، این موضوع در داوری سرمایه‌گذاری به شدت محل تردید بوده و اصل شفافیت در فرآیند داوری‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. به عبارتی، ضرورت حفظ منافع عمومی در این نوع داوری‌ها ایجاب می‌کند تا اصل محرمانگی محدود شده و غیرعلنی بودن رسیدگی‌ها در داوری‌های سرمایه‌گذاری مشروع گردد.

این موضوع در سایر داوری‌های تجاری و حتی مالکیت فکری هم صادق است. به عبارتی در هر پرونده و اختلافی که منافع عموم جامعه به طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر داوری قرار گیرد، باید امکان دسترسی به فرایند رسیدگی از طریق انتشار اسناد و اطلاعات مربوط به داوری برای عموم فراهم باشد.

تلاش کمیسیون تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد در سال‌های اخیر منجر به انتشار «قواعد آنسیترال راجع به شفافیت» و تصویب کنوانسیون «موریس» شده است. در قواعد مذکور امکان انتشار اسناد و مکاتبات دعوا از جمله لوایح طرفین اختلاف و نیز برگزاری علنی جلسات استماع پیش‌بینی شده است مگر آنکه دلیل موجهی برای عدم انتشار اسناد یا غیرعلنی شدن جلسات مطرح باشد.^۳

به این ترتیب در قواعد مذکور در راستای ارتقای شفافیت و برقراری توازن میان منافع اصحاب دعوا و اشخاص ثالث، اصل محرمانگی اسناد و رسیدگی‌ها تعدیل شده است و تلاش می‌شود

1. Hosking, (2004)

۲. طهماسبی، (۱۳۹۶)

۳. بن. ماد. قواعد آنسیترال راجع به شفافیت، برقراری تعادل میان منافع عموم. منافع طرفین اختلاف را از وظایف دیوان داوری قلمداد نموده است.

تا در داوری‌ها ضمن حفظ محرمانگی اطلاعات غیر محرمانه در اختیار عموم قرار گیرد. بدیهی است اجرای یکپارچه این مقررات زمینه را برای مداخله‌ی هرچه راحت‌تر شخص ثالث به فرآیند داوری فراهم می‌نماید.

۷. تسری داوری به شخص ثالث در نظام حقوقی ایران

همانطور که پیش از این بیان گردید؛ نسبی بودن قرارداد داوری در تمام نظام‌های حقوقی و در مقررات سازمان‌های داوری به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده است.^۱

بررسی‌ها حاکی از آن است که در نظام حقوقی ایران نیز مانند سایر نظام‌های حقوقی موافقتنامه داوری صرفاً بین طرفین موثر است هرچند این موضوع مانع از مراجعه اشخاص ثالث به دادگاه نمی‌شود. اما نکته حائز اهمیت در این خصوص آن است که آیا به واقع شخص، ثالث تلقی می‌شود یا در شرایطی می‌توان شرط داوری را به وی تسری داد و او را طرف توافق دانست؟ در حقوق ایران به نقش‌های مختلف ثالث توجه کافی نشده است و رویه قضایی مشخصی در این زمینه وجود ندارد و نظریه دکتربین حقوقی نیز چندان شفاف و روشن نیست. از همین رو تلاش می‌شود با بررسی مقررات مختلف و نیز رویه قضایی حاکم بر این موضوع، رویکرد نظام حقوقی ایران را نسبت به مداخله شخص ثالث در روند داوری مورد بررسی قرار داد.

۷-۱. موضع قانون آیین دادرسی مدنی

در باب امکان تسری شرط داوری به شخص ثالث؛ مواد ۴۱۸ و ۵۰۱ آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ بیانگر آن است که ورود ثالث در داوری جز با رضایت و توافق جدید این شخص و طرفین قرارداد ممکن نیست و مرجع داوری صلاحیت تصمیم‌گیری در این زمینه را ندارد بلکه صرفاً باید احراز کند که شخص ثالث جزو طرفین موافقتنامه داوری بوده یا بعد به آن الحاق شده است. به این ترتیب توسعه شرط داوری با هدف کشف قصد و اراده واقعی طرفین صورت می‌پذیرد و به نوعی تفسیر موافقتنامه داوری است.^۲

در نتیجه مقررات آیین دادرسی مدنی حاکی از آن است که اشخاص ثالث طرف قرارداد

۱. مقدمیان، (۱۳۹۸)

۲. شیخ محمدی و دیگران، (۱۴۰۲)

داوری نیستند و حق و تکلیفی نسبت به موافقتنامه داوری ندارند و قانون نیز امکان ورود یا جلب ثالث را به صورت مطلق نپذیرفته است. از همین رو تسری شرط داوری به شخص ثالث ناظر به مواردی است که شخص یا اشخاص ثالث پس از انعقاد اولیه قرارداد داوری با رعایت شرایط به آن ملحق می‌شوند. ماده ۴۷۵ آ.د.م در این زمینه مقرر می‌دارد: «شخص ثالثی که برابر قانون به دادرسی جلب شده یا قبل یا بعد از ارجاع اختلاف به داوری وارد دعوا شده باشد، می‌تواند با طرفین دعوای اصلی در ارجاع امر به داوری و تعیین داور یا داوران تعیین شده تراضی کند و اگر موافقت حاصل نگردید به دعوای او برابر مقررات به طور مستقل رسیدگی خواهد شد». از طرفی مقررات آیین دادرسی مدنی صرف نظر از لزوم رضایت تمام طرفین، محدودیت دیگری را نیز برای مشارکت ثالث در فرآیند داوری در نظر دارد. بدین توضیح که ماده ۴۵۵ آیین دادرسی مدنی بر لزوم مکتوب بودن قرارداد داوری نیز تصریح نموده و مقرر می‌دارد: «متعاملین می‌توانند ضمن معامله ملزم شوند یا به موجب قرارداد جداگانه تراضی نمایند که در صورت بروز اختلاف بین آنان به داوری مراجعه کنند و نیز می‌توانند داور یا داوران خود را قبل یا بعد از بروز اختلاف تعیین نمایند». در نتیجه مداخله شخص ثالث در فرآیند داوری منوط به موافقت مکتوب طرفین است و به نوعی احراز رضایت ضمنی ولو آنکه شخص ثالث در عمل نشان دهد که موافق داوری است کفایت نمی‌نماید لذا این امر بر محدودیت‌های مشارکت ثالث در داوری می‌افزاید.^۱

علی‌رغم محدودیت‌های مذکور؛ نکته قابل توجه آن است که قانون داوری ایران برخلاف مقررات داوری سازمان‌های بین‌المللی داوری با پیش‌بینی اعتراض ثالث امکان مداخله‌ی ثالث در داوری را حتی بعد از صدور رای، فراهم ساخته است. این امر در نوع خود گامی موثر در حفظ حقوق اشخاص ثالث در روند داوری‌هایی است که در آن حضور نداشته‌اند. در واقع شخص ثالث حتی بعد از صدور رای داور در صورتی که با این رای حقوق خود را در معرض تضییع ببیند می‌تواند با اعتراض خود و نقض رای صادره نقش بارزی را در داوری ایفا کند.

در ایران اعتراض شخص ثالث با اقتباس از حقوق فرانسه در قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۳۲۹ قمری در مواد ۵۱۴ الی ۵۲۳ تحت عنوان «اعتراض شخص ثالث بعد از

صدور حکم» مطرح شد.^۱ مواد ۴۱۷ تا ۴۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی به اعتراض شخص ثالث اختصاص یافته است. ماده ۴۱۷ قانون آ.د.م مقرر می‌دارد: «اگر در خصوص دعوایی رأیی صادر شود که به حقوق شخص ثالثی خللی وارد آورد و آن شخص یا نماینده‌ی او در دادرسی که منتهی به رأی شده است به‌عنوان اصحاب دعوی دخالت نداشته باشد، می‌تواند نسبت به آن رأی اعتراض نماید.» ماده ۴۲۵ قانون آ.د.م نیز ایران مقرر می‌دارد: «چنان چه دادگاه پس از رسیدگی اعتراض ثالث را وارد تشخیص دهد، آن قسمت از حکم را که مورد اعتراض قرار گرفته نقض می‌نماید و اگر مفاد حکم غیرقابل تفکیک باشد، تمام آن الغا خواهد شد.»

با این حال اعتراض ثالث مستلزم تبعیت از اصول قانونی موجود در آیین دادرسی است و این دعوی باید دارای شرایط عمومی اقامه دعوی مدنی نظیر؛ اهلیت، ذینفع بودن و... باشد. بنابراین سعی شده با ارائه راه حلی جهت ورود اشخاصی که در دادرسی حضور نداشته و در رأی دخیل نبوده‌اند. حقوق از دست رفته این اشخاص جبران شود. درواقع مبنای حقوقی اعتراض شخص ثالث استثنایی بر اصل نسبی بودن احکام دادگاه‌ها است.

۲-۷. موضع قانون داوری تجاری بین‌المللی

در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران نیز در راستای هماهنگی با قانون آیین دادرسی مدنی امکان ورود ثالث در جریان داوری پیش‌بینی شده اما آن را به تحقق دو شرط موکول کرده است. نخست اینکه شخص ثالث قرارداد داوری، آیین داوری و نیز داور یا داورانی را که مشغول رسیدگی هستند بپذیرد و دوم اینکه اصحاب دعوا ایرادی به ورود او نکنند. ماده ۲۶ قانون داوری تجاری بین‌المللی مقرر می‌دارد: «هرگاه شخص ثالثی در موضوع داوری برای خود مستقلاً حقی قائل باشد و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی نفع بداند، می‌تواند مادام که ختم رسیدگی اعلام نشده است وارد داوری شود، مشروط بر اینکه موافقتنامه و آیین داوری و داور را بپذیرد و ورود وی مورد ایراد هیچ‌کدام از طرفین واقع نشود.»

نکته حائز اهمیت در ماده ۲۶ آن است که قانون داوری تجاری بین‌المللی برخلاف مقررات برخی از سازمان‌های بین‌المللی داوری، امکان مداخله شخص ثالث در جریان داوری را نه به درخواست طرفین داوری بلکه بنا به خواست شخص ثالث پیش‌بینی نموده است که زمینه ساز

ورود ثالث به داوری است درحالی‌که آنچه اغلب تحت عنوان مشارکت شخص ثالث در سایر مقررات داوری از جمله قانون نمونه داوری آنسیترال مصوب ۱۹۸۵ دیده می‌شود؛ ناظر بر جلب ثالث به داوری بنا درخواست طرفین است. اگرچه با تصویب قانون آنسیترال راجع به شفافیت در داوری‌های مبتنی بر معاهده بین دولت و سرمایه‌گذار مصوب ۲۰۱۳، این قانون در بحث ورود ثالث سیر تکاملی یافته است.^۱

۳-۶. رویه قضایی

رویه قضایی ایران نیز هرچند با مبانی مشارکت ثالث آشناست لیکن در برخورد با تسری شرط داوری به شخص ثالث رویکرد واحدی ندارد و آرا متفاوتی در این خصوص صادر گردیده است. نظر اصلی و رایج مراجع قضائی آن است که دادگاه مرجع اصلی تظلم خواهی است و داوری به‌عنوان استثنائی بر این اصل تلقی شده و باید آثار آن محدود و محصور به طرفین باشد لذا دامنه حل و فصل اختلافات در داوری را نمی‌توان به دیگران تسری داد. در نتیجه برخی از شعب مخالف تسری داوری به شخص ثالث هستند. به‌عنوان مثال؛ شعبه شش دادگاه تجدیدنظر استان تهران به موجب دادنامه ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۰۶۰۱۰۸۱ مورخ ۱۳۹۱/۹/۱۸ با نقض دادنامه بدوی بیان می‌دارد: «... درخصوص منشا صدور چک موضوع اجراء.. که در جهت قرارداد واگذاری سهام است و در متن چک مزبور تصریح شده لیکن با توجه به اینکه شرکت تجدیدنظرخواه جز طرفین قرارداد مذکور نبوده لذا شرط داوری مندرج در ماده ۸ قرارداد نسبت به وی موثر نبوده و تنها در مورد طرفین قرارداد حاکم می‌باشد.»

با این وجود برخی از شعب نیز در مواردی معتقد به تسری شرط داوری به اشخاص ثالث هستند. مانند شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۱۶۷۷ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۵ با استناد به آنکه اقامه دعوا نزد داور نسبت معامله‌ای که یک طرف آن شخص ثالث است مقرر داشته: «... آنچه مسلم است با فرض اینکه امروزه انتقال شرط داوری به شخص یا اشخاص ثالثی که طرف قرارداد داوری نبوده‌اند به لحاظ واقعیات اقتصادی، رضایت ضمنی طرفین قرارداد داوری یا شخص ثالثی که به قرارداد اصلی پیوسته و یا آثار قرارداد اصلی را با انعقاد قرارداد جدید پذیرفته و یا ملحوظ نظر داشته؛ در این فرض نیز شخص ثالث می‌بایست

مخاطب دعوی بطلان معامله نزد داور قرار می‌گرفت تا بتواند از حقوق و منافع خود در دادرسی عادلانه و منصفانه‌ای دفاع کند. براین اساس دادگاه طرح دعوی اولیه نزد داور بدون مخاطب قرار دادن شرکت خریدار با فرض تسری شرط داوری به وی، مخالف قانون می‌باشد...»

درخصوص انتقال موافقتنامه داوری نیز می‌توان به دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۰۵۵۱ مورخ ۱۳۹۲/۵/۷ صادره از شعبه شش دادگاه عمومی حقوقی اسلامشهر اشاره کرد که بیان داشته؛ قرارداد داوری قائم به طرفین آن است و درصورت انتقال موضوع قرارداد به دیگری به لحاظ آنکه منتقل‌الیه قرارداد داوری را امضا نموده در نتیجه ملتزم به آن نیست و مداخله ثالث را قبول ننموده است.

شعبه ۸۷ دادگاه حقوقی تهران نیز در اقدامی مشابه در دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۰۷۲۶ مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۹ بیان داشته: «با توجه به بند ۲ ماده ۴۸۱ قانون آیین دادرسی مدنی و باتوجه به اینکه قانون‌گذار درصورت فوت احدی از طرفین قرارداد داوری، امر داوری را قابل تسری به وراثت و قائم مقام قانونی ندانسته به طریق اولی شخص ثالثی که در قرارداد متضمن شرط داوری مداخلتی ندارد، متعهد به شرط داوری نیست.»

به این ترتیب آنچه در رویه قضایی ایران درباب مداخله شخص ثالث دیده می‌شود؛ وجود آرای سلیقه‌ای محاکم است که در نهایت منتج به تشتت آرا گردیده و در مواردی موجب بی‌عدالتی و تضییع حق شخص ثالث و حتی طرفین می‌شود.

در دفاع از داوری بدون حضور شخص ثالث ممکن است چنین استدلال شود که با وجود امکان اعتراض شخص ثالث به رای داوری حتی اگر طرفین نتوانند نسبت به مشارکت ثالث توافق نمایند رسیدگی داور باید بدون دخالت ثالث مسموع باشد. اما در مقابل می‌توان در بی‌اعتباری این نوع داوری چنین گفت که توافق برخلاف حقوق اشخاص ثالث حتی اگر راهکاری برای مقابله با آن مانند اعتراض ثالث وجود داشته باشد، صحیح نیست زیرا چنین دعاوی به لحاظ ارتباط با حقوق شخص ثالث غیر قابل تجزیه بوده و اساساً نباید بدون حضور اطراف آن بررسی شود. در نتیجه بنظر می‌رسد چنین داوری هم از جهت قواعد دعاوی و هم از حیث برخورد با حقوق شخص ثالث صحیح نیست.^۱

بنابراین لازم است تا رویه قضائی محاکم در عین هماهنگی با مقررات آیین دادرسی مدنی

و داوری تجاری بین‌المللی با رویه بین‌المللی حاکم بر فرآیند داوری همسو گردد و شرایط تسری داوری به اشخاص ثالث به نحو دقیق و صریح پیش‌بینی و در مواردی رضایت ضمنی نیز همچون رضایت صریح جهت توسعه داوری پذیرفته شود.

۸. آسیب شناسی و فواید ورود ثالث به داوری

ورود شخص ثالث به داوری می‌تواند همزمان با منافع و فواید آن، در برخی موارد منجر به سنگین شدن جریان رسیدگی و اطاله داوری شود. به‌عنوان نمونه در پرونده «گلمیس علیه ایالات متحده» که در نتیجه اختلافات ناشی از امتیاز بهره‌برداری از معدنی در منطقه‌ای متعلق به سرخ پوستان به داوری ارجاع یافته بود، نهاد‌های مختلفی تحت عنوان ثالث دخالت نمودند. از نظر بسیاری از آنها از جمله نهاد «ملت سرخپوست کوئکان»^۱ این داوری منافع اقوام آن منطقه را در زمینه آزادی‌های دینی متأثر می‌ساخت. در مقابل هم «انجمن ملی معدن» موسسه‌ی دیگری بود که درخواست ورود به داوری را داشت که نهایتاً این موضوع به طولانی شدن جریان داوری و پیچیده شدن هرچه بیشتر منجر گردید.^۲

بنابراین ورود اشخاص ثالث الزاما همیشه و همه جا نقش کارآمدی در ارتقای نظام داوری بین‌المللی ندارد. از دیگر آسیب‌هایی که می‌توان در تسری شرط داوری به اشخاص ثالث به آن اشاره کرد آن است که در بسیاری از موارد اشخاص ثالث در برابر اظهاراتشان از این لحاظ که آن اظهارات ممکن است ارتباطی با موضوع داوری نداشته باشد، هیچگونه پاسخگویی و مسئولیتی را چه در برابر طرفین داوری و چه دیگران ندارند. بنابراین اینکه تا چه میزان ادعای ثالث منطبق با واقعیت است و درمقابل اقدامات و اظهارات خود در برابر چه کسی مسئول است، مشخص نیست. همین موضوع موجب شده است که برخی ورود شخص ثالث به داوری را نه تنها موجب ارتقای داوری ندانند بلکه براین باورند که مداخله ثالث به مشروعیت داوری ضربه خواهد زد.^۳ آنچه در بحث مشارکت ثالث مغفول مانده و نیازمند توجه نظام‌های حقوقی و دیوان‌های داوری است؛ تعیین معیارهای دقیق برای مشارکت ثالث به داوری و نیز توجه به سابقه عملکرد، تخصص و ارتباط متقاضی با دعوی مطروحه و مسئولیت ایشان در روند داوری است.

1. Quechan Indian Nation

2. stern, (2011)

3. vinales, (2006-2007)

در کنار نگرانی از آسیب‌های احتمالی و وجود ایراداتی همچون نقض محرمانه بودن یا پیچیده شدن داوری؛ مشارکت اشخاص ثالث در داوری با فوایدی همراه است که ضرورت حضور آن را بیش از پیش می‌سازد. هدف از توسعه دامنه داوری به اشخاص ثالث آن است که قرارداد داوری حول محور قصد و رضای طرفین، زمینه را برای التزام و ورود ثالث را به داوری فراهم سازد چراکه رعایت انصاف و عدالت و نیز جلوگیری از طرح دعوی موازی یا منع سواستفاده اشخاص ذینفع در قرارداد از عدم امضای موافقتنامه داوری، تنها به مدد تئوری‌های مختلفی که در عرصه بین‌المللی در جهت توسعه شرط داوری مورد استناد قرار گرفته، محقق می‌گردد. مضاف برآنکه با تصویب قواعد آنسیترال راجع به شفافیت در داوری‌های مبتنی بر معاهده بین دولت و سرمایه‌گذار رویکرد حاکم بر توسعه قلمرو داوری تغییر یافته و نه تنها ورود شخص ثالث در روند داوری امکان‌پذیر شد بلکه این تغییر تأثیر بسزایی بر ارتقا داوری داشته است.^۱

به طور کلی؛ از مجموع مطالب فوق می‌توان دریافت که پذیرش شخص ثالث در فرآیند داوری با در نظر داشتن اصلاحات لازم می‌تواند به داور کمک کند تا موضوع را از جنبه‌های مختلف بررسی کند و بر شفافیت داوری بیافزاید. از طرفی در برخی موارد مشارکت ثالث غیر قابل انکار بوده و رسیدگی داور مستلزم دخالت شخص ثالث است به نحوی که اگر دعوا در دادگاه اقامه گردد و آن شخص طرف دعوا قرار نگیرد، قرار عدم استماع دعوا صادر می‌شود. به عنوان مثال طرح دعوای بطلان معامله‌ای نزد داور که شخص دیگری غیر از طرفین قرارداد داوری، طرف آن قرارداد باشد. در چنین مواردی حضور و مشارکت شخص ثالث علی‌القاعده لازمی رسیدگی داور است و بدون آن داوری به بن بست می‌رسد.^۲

۹. نمونه آرا داوری تجاری بین‌المللی

از مواردی که نظام حقوقی ایران تسری شرط داوری در عرصه بین‌المللی را تجربه نموده می‌توان به دعوای مشارکت ریدینگ و بیتز علیه شرکت ملی نفت ایران اشاره کرد.^۳

۱. رضائی، (۱۳۹۷)

۲. رضائی، (۱۳۹۷)

3. United States District Court, S. D. New York, September 27, 1979.

در این پرونده پس حدوث اختلاف طرفین قرارداد نسبت به تفسیر تعهدات قراردادی، با ارجاع امر به داوری و با استناد به آنکه خواننده (شرکت اوسکو) از جهت مالکیت و کنترل تابع شرکت ملی نفت ایران است؛ مسئله تسری شرط داوری به شرکت ملی نفت ایران مطرح گردید. دیوان داوری نیز با احراز آنکه شرکت ملی نفت ایران اصیل واقعی است استدلال نمود که این شرکت به لحاظ کنترل و تسلطی که بر شرکت اوسکو دارد در برابر خواهان اصیل واقعی محسوب شده و ملتزم به داوری است.^۱

هرچند به کارگیری دکترین اصیل واقعی^۲ در پرونده‌هایی نظیر پرونده فوق با انتقاداتی روبرو است و اجرای آن به اعتقاد برخی استقلال قانونی شرکت‌های فرعی را زیر سوال می‌برد و به تفکیک شخصیت حقوقی شرکت‌ها آسیب خواهد زد اما در عمل بسیاری از نظام‌های حقوقی از جمله ایالات متحده در مقام اجرای گسترده‌ی این دکترین معتقد هستند که این تئوری در راستای ممانعت از سوءاستفاده از شرکت‌ها جهت ارتکاب تقلب یا بی‌عدالتی اعمال می‌گردد و هدف آن است تا از فرار شخصیت‌های حقوقی از الزامات قانونی یا تعهدات قراردادی جلوگیری شود.^۳

در باب تئوری ذینفعی نیز، دیوان داوری ایکسید در پرونده Glamis در خصوص مشارکت شخص ثالث (Indian quechen nation) مقرر کرد که باتوجه به آنکه بهره‌مندی از محل‌های مقدس و فرهنگ اجدادی حق مردم یک سرزمین است در نتیجه می‌توان با احراز منفعت شخص ثالث در جریان دعوا و این موضوع که ثالث به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم تحت تأثیر تصمیم دیوان داوری است، مداخله شخص ثالث را پذیرفت. این استدلال در پرونده UPS نیز توسط اتحادیه پست کانادا که به‌عنوان شخص ثالث در جریان دعوا حضور داشت، مورد قبول قرار گرفت.^۴

از دیگر موارد جالب توجه حضور اشخاص ثالث غیردولتی در فرآیند داوری‌های سرمایه‌گذاری است. مانند حضور کمیسیون اروپایی به دلیل نقض منشور انرژی یا معاهده دو

۱. ایزانلو، (۱۳۹۶)

2. alter ago

3. (Bernard Hanotiau, (2001)

4. Decision of the Tribunal on Petitions for Intervention and Participation as Amici Curiae, 17 October 2001, Paras.3,70.

جانبه سرمایه‌گذاری در جریان داوری سرمایه‌گذاری است. برای نمونه می‌توان به پرونده‌های *Electrabel Hungary v. Hungary* و *AES v. Hungary* اشاره کرد که در هر دو پرونده دیوان داوری با حضور آنان در پروسه داوری از طریق ارسال لوایح کتبی موافقت نمود. بنابراین توانایی اشخاص ثالث برای ورود به داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی به منظور حفظ منافع عمومی است و بدیهی است که حفظ منافع طرفین داوری و دولت‌های طرف داوری هدف این مشارکت نیست بلکه نفع عمومی موجود در اختلاف نقش مهمی را ایفا می‌کند.^۱

همانطور که پیش‌تر بیان گردید؛ از دیگر موارد تسری شرط داوری تئوری جانشینی است که به موجب آن شرط داوری به شخص ثالث به‌عنوان نماینده و جانشین طرف قرارداد تسری می‌یابد. این مسئله در شرکت‌های بیمه‌ی فرانسه بسیار اعمال می‌شود و به طرف قرارداد داوری این امکان را می‌دهد تا علیه شخص ثالثی که جایگزین طرف اصلی شده است اقامه دعوا کند و او را با استناد به آنکه حقوق و تعهدات شخص اصلی را به‌دست آورده ملتزم به داوری سازد.^۲

۱۰. نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد تا وضعیت مداخله‌ی ثالث در سازمان‌های داوری مورد بررسی و جایگاه مداخله‌ی ثالث در مقررات داوری ایران با مقررات سازمان‌های بین‌المللی داوری مورد مقایسه قرار گیرد.

قوانین و مقررات سازمان‌های مختلف داوری بیانگر دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به امکان ورود شخص ثالث در روند داوری‌های بین‌المللی است. با این حال یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که دیدگاه سنتی نسبت به مداخله‌ی ثالث که به واقع اصل را بر ممتنع بودن مداخله‌ی ثالث در داوری گذاشته، در حال تعدیل است و اصلاحیه‌های مقررات داوری نهادهای مختلف در عرصه‌ی جهانی نشان می‌دهد که مقتضیات عملی سبب شده است نگاه پذیراتری نسبت به مداخله‌ی ثالث اتخاذ شود.

در بررسی مقررات سازمان‌های بین‌المللی داوری مشخص شد که از میان سه مسیر مداخله‌ی ثالث در داوری یعنی ورود، جلب و اعتراض ثالث، این نهادها عمدتاً متوجه جلب ثالث هستند

1. ICSID Case No. ARB/07/22, Award, 2010, Para.8.2; *Electrabel SA v. Republic of Hungary*, ICSID Case No. ARB/07/19, Para.1

2. (Hosking, 2004: 245)

و کمتر به ورود ثالث پرداخته‌اند. همچنین اعتراض ثالث به دلیل ماهیت وابسته‌ی خود به قوانین ملی در مقررات فوق مورد اشاره قرار نگرفته است.

جالب اینجاست که علی‌رغم وجود نگاه سنتی نه چندان موافق با مداخله‌ی ثالث، مقررات داوری ایران از برخی جهات نسبت به مقررات داوری فوق‌الذکر در این عرصه پیش‌روتر است. این موضوع عمدتاً متوجه اعتراض ثالث در قوانین ایران است. اعتراض ثالث که پس از صدور حکم داوری صورت می‌گیرد برخلاف سایر طرق مشارکت ثالث، امکان قابل توجهی به اشخاص ثالث می‌دهد تا بر روند تأثیرگذار رای دخالت داشته باشند.

داوری باید بتواند در راستای افزایش کارایی با اشخاص ثالث تعامل داشته باشد و منافع آنها را در نظر بگیرد. این تعامل از همپوشانی روندهای موازی جلوگیری می‌کند و دامنه مادی داوری را گسترش دهد. هرچند در مقررات سازمان‌های بین‌المللی داوری و نیز نظام حقوقی ایران امکان مداخله شخص ثالث در مواردی پیش‌بینی شده است لیکن محدود نمودن مشارکت شخص ثالث به رضایت صریح طرفین و نیز عدم امکان دسترسی شخص ثالث به اسناد و مدارک پرونده می‌تواند به صورتی و بلااثر شدن ورود ثالث به داوری شود.

در همین راستا و با هدف کارآمدی هرچه بیشتر داوری نظریات و راهکارهای متعددی از سوی دکترین حقوقی ارائه گردیده که به برخی از مهمترین آنها همچون نمایندگی، قاعده استاپل و ادغام دعاوی پرداخته شد. سازکارهای ارائه شده با تعدیل شرایط الحاق ثالث، زمینه را برای الزام اشخاص ثالث و غیر امضاکننده به داوری هموار می‌سازد. به عبارتی در مواردی که حتی رضایت صریح طرفین آشکار نیست، نظریات فوق با توسعه دامنه داوری و احراز رضایت ضمنی طرفین این امکان را به مرجع داوری می‌دهند تا بدون خدشه به شرط اساسی رضایت و مشروعیت داوری، شخص ثالث را به داوری الحاق نمایند.

در همین راستا ضروری است تا نظام حقوقی ایران نیز با استناد به دکترین مطرح شده در این حوزه مقررات داوری خود را اصلاح و بازبینی نماید. امید است که قیود و سخت‌گیری‌های موجود نسبت به مداخله‌ی ثالث در داوری کاهش یابد؛ هر چند ممکن است که قانون‌گذار با عنایت به وجود مقرره اعتراض ثالث، نسبت به این موضوع از خود چندان پذیرش نشان ندهد.

دسترسی به داده‌ها

داده‌های استفاده شده یا تولید شده در این پژوهش در متن مقاله ارائه شده است.

تضاد منافع نویسندگان

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تضاد منافی در رابطه با نویسندگی یا انتشار این مقاله ندارند.

منابع

- ابریشمی مقدم، علی؛ ضمامی، حامد، (۱۳۹۶). ورود ثالث در داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی با تأکید بر دیدگاه‌های نوین در مقررات ایکسید و قواعد شفافیت آنستیرال، فصلنامه‌ی پژوهش حقوق خصوصی، سال پنجم - شماره ۱۹.
- اسدی نژاد، محمد و مهدوی فر، مجتبی (۱۳۹۱)، محرمانه بودن داوری در تجارت ب.م و مقررات سازمان جهانی مالکیت فکری، فصلنامه پژوهش‌های روابط ب.م - شماره ۶.
- امین، سید حسن (۱۳۵۳)، ورود شخص ثالث، مجله کانون، خرداد - تیر، شماره ۱۷۰.
- ایزائلو، محسن، شید، بابک، (۱۳۹۶)، تسری موافقتنامه داوری به اشخاص ثالث بر مبنای نظریه استاپل، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتاد و یکم، شماره ۱۰۰.
- بهرامی، بهرام. (۱۳۸۱)، اجرای احکام مدنی، تهران: انتشارات نگاه بینه، چاپ اول.
- حسینی، سید محمد (۱۳۸۰)، مداخله‌ی شخص ثالث در دادرسی. مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۶ - ۳۴.
- خدابخشی، عبدالله، (۱۳۹۷)، حقوق دعاوی، بایسته‌های حقوق داوری تطبیقی، جلد ۶، شرکت انتشار.
- رضائی، علی، (۱۳۹۷)، تحلیل قواعد شفافیت آنستیرال در داوری‌های سرمایه‌گذاری. مجله حقوقی بین‌المللی، ۳۵.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۴)، حقوق مدنی، تهران، انتشارات مجد، جلد ۳.
- شیخ محمدی، مرضیه، محبی، محسن، تقی زاده، ابراهیم، (۱۴۰۲)، تسری شرط داوری به شخص ثالث در حقوق ایران و رویه داوری تجاری بین‌المللی، فصلنامه تحقیقات حقوقی بین‌المللی، شماره ۶۰.
- طهماسبی، علی (۱۳۹۶)، تحلیل قواعد دادرسی مدنی در فرض تعدد اصحاب دعوا، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹۸.
- عالی پسند، الناز، (پاییز ۱۳۹۹)، امکان ورود ثالث در داوری براساس سیر قواعد آنستیرال و قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران و تأثیر آن برخصوصی و محرمانه بودن داوری، مجله‌ی پژوهش‌های حقوقی، شماره ۴۳.
- غریبه، علی، شهریاری، سیروش، (۱۳۹۶)، گسترش قلمرو موافقتنامه داوری بر اشخاص ثالث از منظر دکترین

گروه شرکت‌ها، فصلنامه تعالی حقوق، شماره ۲۰.

مقدمیان، صدیقه، (۱۳۹۸)، دخالت شخص ثالث در قراردادهای داوری، انتشارات مجد، ۴۱.

نصیری، مرتضی (۱۳۶۴)، نظریه‌اصیل واقعی، مجله حقوق، شماره دوره ۲، شماره ۲۴.

- Abrishmi Moghadam, Ali; Zamami, Hamed, (1396). The third entry in international investment arbitration with an emphasis on new perspectives in IXXID regulations and Anstiral transparency rules, Private Law Research Quarterly, Year 5 - Number 19. [In Persian]
- AES Summit Generation Limited & Another v. Republic of Hungary, ICSID Case No. ARB/07/22, Award, 2010, Para.8.2; Electrabel SA v. Republic of Hungary, ICSID Case No. ARB/07/19, Para.1
- Ali Pasand, Elnaz, (1399), the possibility of a third party entering arbitration based on the UNCITRAL rules and Iran's international commercial arbitration law and its effect on the privacy and confidentiality of arbitration, Journal of Legal Research, No. 43. [In Persian]
- Amin, H. (1353). Entry of a third person, Kanon magazine, 170 [In Persian]
- Asadi nejad M. and Mehdi far M. (1391). Arbitration confidentiality in international trade and the provisions of the World Intellectual Property Organization, International Relations Research Quarterly, 6 [In Persian]
- Azubike, O. (2022), When Can a Non-Signatory Third-Party Be Bound by An Arbitration Award?, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4059343> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4059343>
- B. Stern; (2011), "The Future of International Investment Law: A Balance Between the Protection of Investors and the States' Capacity to Regulate", in: JE. Alvarz and KP. Sauvart (eds.); The Evolving International Investment Regime: Expectations, Realities, Options, Oxford University Press, p. 188
- Bahrami, Bahram. (1381), Execution of Civil Laws, Tehran: Negah Bineh Publications, first edition. [In Persian]
- Bernard Hanotiau,(2001), Problems Raised by Complex Arbitrations Involving Multiple Contracts-Parties-Issues - An Analysis Journal of International Arbitration, Vol. 18 No. 3.
- Blackaby, N. (2019), Q. C. Constantine Partasides, Alan Redfern, and Martin Hunter. 2015. Redfern and Hunter on International Arbitration. 6th edition. Oxford: OUP Oxford. Choi, Dongdoo. Joinder in international commercial arbitration. Arbitration International 35: 29-55. <https://doi.org/10.1093/arbint/aiz001>.
- Brekoulakis, S. (2016), "Chapter 8: Parties in International Arbitration: Consent v. Commercial Reality", in S. Brekoulakis, J. D. M. Lew, et al. (ed.), The Evolution and Future of International Arbitration, Kluwer Law International, pp. 119-160, p. 120,

- para. 8.1. ISBN 978-90-411-7004-0.
- Cover Donk, F. (2015), A bout the new PCA Rules and Their Application to satellite communication disputes, Space, cyber, and Telecommunications Law program faculty publications,14.
- GARNETT, R. (2023), THIRD PARTIES AND INTERNATIONAL COMMERCIAL ARBITRATION: REFRAMING THE DEBATE RICHARD GARNETT*.p156
- Gharibeh, Ali, Shahriari, Sirosh, (1396), Expanding the scope of the arbitration agreement on third parties from the perspective of the doctrine of the group of companies, Ta'ala Law Quarterly, No. 20. [In Persian]
- Glamis Gold Ltd. V. United States of America, Award, 8 June 2009 and Decision on Application and Submission by Quechan Indian Nation, 16 December 2005
- Greenberg, S. , Kee, C. & Weeramantry, R. (2013), The Participation of the Third Parties in the Arbitration Proceedings, LLM thesis, Faculty of Law University of Toronto, P.33, doi: 1807/42979.
- Holtzmann, H.M. (2003), Dispute Settlement Permanent Court of Arbitration, Unted Nations Conference on Trade and development New York and Geneva, 25. DOI: <https://doi.org/10.1017/9781108635752.023>
- Hosking, James,(2004) , “The Third Party Non-Signatory’s Ability to Compel International Commercial Arbitration: Doing Justice without Destroying Consent”, Pepperdine Dispute Resolution Law Journal, Volume 4
- Hosseini, M. (1380). Third party intervention in proceedings, Legal Journal of Justice, 34-36 [In Persian]
- Izanlou, Mohsen, Sheid, Babak, (1396), Extending the arbitration agreement to third parties based on the staple theory, Judiciary Legal Journal, year 81, number 100. [In Persian]
- J. Vinuales,(2006-2007), “Amicus Intervention in Investor-State Arbitration”, 61 Dispute Resolution Journal, Vol. 61, para. 75.
- Julian, D.M. , Lew, L. , Mistelis , A. (2003) , “Comparative International Commercial Arbitration, Publisher: The Hague, New York: Kluwer Law International”, Chapter 16 Multiparty and Multicontract Arbitration”, in J. D.M. Lew, L. A. Mistelis, et al., 2003, pp. 377-409, para. 16-40. Doi:K2400 .L489 200
- Kazbekova, A. (2013), The Participation of the Third Parties in the Arbitration Proceedings, Master of Laws (LLM) Faculty of Law University of Toronto. <https://hdl.handle.net/1807/42979>.
- Keechang, K. & Mitchenson, J. (2013), ‘Voluntary Third-Party Intervention in International Arbitration for Construction Disputes: A Contextual Approach to Jurisdictional Issues’. Journal of International Arbitration, Volume 30, Issue 4 , pp. 407 - 430 , doi:10.54648/joia2013026.

- Khodabakhshi, Abdullah, (1397), Claims Law, Requirements of Comparative Arbitration Law, Volume 6, Publishing Company. [In Persian]
- Landolt, P. and García, A. (2017), Commentary on WIPO Arbitration Rules, WIPO Arbitration and Mediation Center, 47 .
- Moghadamian, Siddiqa, (1398), third party involvement in arbitration contracts, Majd Publications, 41. [In Persian]
- Nasiri, M. (1364). The real original theory, Rights magazine, 24 [In Persian]
- Noussia, K. (2010), Confidentiality in International Commercial Arbitration a Comparative Analysis of the Position under English, US, German and French Law, Springer, Pp.24-26. DOI: .org/10.1007/978-3-642-10224-0
- O'Sullivan, Z. and Benham-Mirando, T. (2021), The ICC's new rules: late to the party, but welcome as tools to ensure efficient and fair process. <https://www.globallegalpost.com/news/the-iccs-new-rules-late-to-the-party-but-welcome-as-tools-to-ensure-efficient-and-fair-process-79857741>.
- Obadia, E. (2007), Extension of proceedings Beyond the original parties: Non - Disputing party participation in investment Arbitration , ICSID Review , foreign investment law journal, Volume 22, P:349 . DOI:10.1093/icsidreview/22.2.349
- Reading & Bates corporation,(1979), Reading & Bates Exploration Co. v. National Iranian oil company, No. 79 Civ. 4421 (KTD)., United States District Court, S. D. New York, September 27.
- Rezaei, Ali, (1397), analysis of UNCITRAL transparency rules in investment arbitrations. Journal of International Law, 35. [In Persian]
- Shahidi, M. (1384). Civil Rights, Tehran, Majd, 3 [In Persian]
- Sheikh Mohammadi, Marzieh, Mohebi, Mohsen, Taghizadeh, Ibrahim, (1402), Extending the arbitration clause to a third party in Iranian law and international commercial arbitration procedure, International Legal Research Quarterly, No. 60. [In Persian]
- Tahmasebi, A. (1396), Analysis of civil procedure rules in the assumption of multiple litigants, Legal Journal of Justice ,98 [In Persian]
- United Parcel Service of America Inc. v. Government of Canada,(2001), Decision of the Tribunal on Petitions for Intervention and Participation as Amici Curiae, 17 October, Paras.3,70.
- Voser, N. (2009), Multi-Party Disputes and Joinder of Third Parties. In in Berg A (ed), 50 Years of the New York Convention: ICCA International Arbitration Conference, 343-410. Publisher: Kluwer Law International- doi:10.1007/s11196-023-10068-1.
- Webster, T. and Bohler, M. (2014), Handbook of ICC Arbitration: Commentary, Published SWEET & MAXWELL, THOMSON REUTERS.ISBN: 0414044630. DOI: 10.4236/ahs.2015.44023